

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم	تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی

مروری بر زیارت ناحیه‌ی مقدّسه در بیان حوادث عاشورا (۱)

کلمات کلیدی: زیارت ناحیه‌ی مقدّسه، حوادث عاشورا، حضرت بقیّة‌الله ارواحنا فداه، اباعبدالله علیه السلام، شهید، غریب، مظلوم، ساکن کربلا، سرهای مطهر، نیزه، مصیبت، اندوه، اشک خون، قربانی.

دو زیارت به اسم زیارت ناحیه‌ی مقدّسه وجود دارد؛ یکی زیارت خود اباعبدالله‌الحسین علیه السلام است که به احتمال بسیار قوی از ناحیه‌ی مقدّس حضرت بقیّة‌الله ارواحنا فداه آمده و دیگری زیارت اصحاب اباعبدالله علیه السلام است که به احتمال قوی از ناحیه‌ی امام هادی علیه السلام یا امام عسکری علیه السلام است. راوی زیارت اصحاب، در عبارت اوّل آن نقل کرده که تاریخ صدور آن سال ۲۵۲ یا ۲۵۳ هـ ق است و از ناحیه‌ی مقدّسه به دستش رسیده است. از آنجا که تولّد امام زمان علیه السلام سال ۲۵۵ هـ ق است؛ لذا این زیارت دو یا سه سال قبل از تولّد امام عصر علیه السلام نقل شده است. به همین دلیل، آن بخشی که زیارت اهل بیت و اصحاب اباعبدالله علیه السلام است به احتمال قوی از محضر مقدّس حضرت هادی علیه السلام یا به احتمال ضعیف از ناحیه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام صادر شده است؛ اما زیارتی که خطاب به خود اباعبدالله‌الحسین علیه السلام است، از ناحیه‌ی مقدّس حضرت بقیّة‌الله ارواحنا فداه است.^۱ این زیارت مفصل و طولانی است و با سلام بر

۱. موسوعة الامام الحسين علیه السلام، ج ۲۴، صص ۸۹۲-۹۰۰؛ ابن مشهدی، مزار الکبیر، صص ۴۹۶-۵۰۹ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، صص ۳۱۷-۳۲۵. با اندکی تفاوت در هر منبع.

انبیاء الهی شروع می‌شود و بعد سلام به پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ و حضرت زهرا علیها السلام است و بعد به امام مجتبیٰ علیؑ و نهایتاً به اباعبدالله الحسین علیؑ سلام می‌کنیم. زیارت بسیار زیبایی است:

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ: سلام بر حسینی که با دادن سخاوتمندانه‌ی خون دل خود، جان خود را در راه محبوب خویش بخشید و بذل کرد.

حضرت بقیةالله علیؑ در این زیارت با عبارتهای مختلفی به جدّ بزرگوارشان سلام می‌کنند؛ از جمله:

السَّلَامُ عَلَى الْمُرْمَلِ بِاللِّمَاءِ: سلام بر آن بزرگواری که پیکر مطهر او در خاک و خون غلتید.

السَّلَامُ عَلَى مَهْتُوكِ الْخَبَاءِ: سلام بر آن بزرگواری که حرمت خیمه‌گاه او را شکستند و به خیمه‌گاه او حمله کردند.

السَّلَامُ عَلَى خَامِسِ اصْحَابِ اَهْلِ الْكِسَاءِ: سلام بر پنجمین نفر از اصحاب کساء.

السَّلَامُ عَلَى غَرِيبِ الْغُرَبَاءِ: سلام بر آن کسی که در بین غریب‌ها، از همه غریب‌تر بود.

السَّلَامُ عَلَى شَهِيدِ الشُّهَدَاءِ: سلام بر شهید شهیدان.

السَّلَامُ عَلَى قَتِيلِ الْاُدْعِيَاءِ: سلام بر کسی که به دست افراد ناپاک‌زاده به شهادت رسید.

السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ كَرْبَلَاءَ: سلام بر آن عزیزی که برای همیشه در خاک کربلا ساکن شد.

السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَكَتْهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ: سلام بر آن بزرگواری که فرشتگان آسمان هم بر او گریستند.

در عبارات دیگر زیارت آمده است:

السَّلَامُ عَلَى الْجُيُوبِ الْمُضَرَّجَاتِ: سلام بر آن گریبان‌های چاک‌شده و دریده.

السَّلَامُ عَلَى الشِّفَاهِ الذَّابِلَاتِ: سلام بر آن لبان خشکیده و ترک‌خورده.

السَّلَامُ عَلَى النُّفُوسِ الْمُضْطَلَّمَاتِ: سلام بر آن جان‌های بر لب رسیده و بر بلا رسیده.

السَّلَامُ عَلَى الْأَرْوَاحِ الْمُخْتَلَسَاتِ: سلام بر آن روح‌هایی که قبض شد؛ و ربوده شد.

السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَادِ الْعَارِيَاتِ: سلام بر آن پیکرهای برهنه و عریانی که در زیر تابش آفتاب افتاده بود.

السَّلَامُ عَلَى الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ: سلام بر آن جسم‌هایی که در اثر ضربات، و در اثر مصائب رنگشان تغییر کرده بود.

السَّلَامُ عَلَى الدَّمَاءِ السَّائِلَاتِ: سلام بر آن خون‌هایی که از پیکرها جاری بود.

السَّلَامُ عَلَى الْأَعْضَاءِ الْمُقَطَّعَاتِ: سلام بر آن عضوهایی که قطعه‌قطعه شده بود.

السَّلَامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمُشَالَاتِ: سلام بر آن سرهایی که بر نیزه‌ها بالا رفته بود.

السَّلَامُ عَلَى النَّسْوَةِ الْبَارِزَاتِ: سلام بر آن بانوانی که وقتی صدای مهمهمه‌ی ذوالجناح بلند شد، از خیمه بیرون آمدند.

السَّلَامُ عَلَى الْأَبْدَانِ السَّلْبِيَّةِ: سلام بر آن بدن‌هایی که جامه‌های کهنه را هم بر آنها باقی نگذاشتند و به سرقت بردند؛ و آنها را عریان رها کردند.

السَّلَامُ عَلَى الْعُنْتَرَةِ الْقَرِيبَةِ: سلام بر خاندان قریب اباعبدالله‌الحسین علیهم‌السلام.

السَّلَامُ عَلَى الْمُجَدَّلِينَ فِي الْقَلَوَاتِ: سلام بر آن بزرگوارانی که در بیابان‌ها به خاک افتاده بودند.

السَّلَامُ عَلَى التَّارِحِينَ عَنِ الْأَوْطَانِ: سلام بر آن بزرگوارانی که از وطن و دیار خود به دور افتاده بودند.

السَّلَامُ عَلَى الْمَدْفُونِينَ بِلَا أَكْفَانٍ: سلام بر آن بزرگوارانی که بدون کفن دفن شدند، و به خاک سپرده شدند.

السَّلَامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمُفَرَّقَةِ عَنِ الْأَبْدَانِ: سلام بر آن سرهای مطهّری که از پیکرها جدا افتاده بودند.

السَّلَامُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ: سلام بر امام بزرگوارانی که همه کار خویش را به حساب خدا گذاشت و در همه‌ی مصائب صابر بود و صبر پیشه کرد.

السَّلَامُ عَلَى الْمَظْلُومِ بِلَا نَاصِرٍ: سلام بر آن ستم‌دیده‌ای که هیچ یار و یآوری نداشت؛ یگه و تنها در صحرای کربلا مانده بود؛ همه‌ی اهل‌بیت و اصحابش به شهادت رسیده بودند؛ و تنهای تنها مبارزه کرد تا شهید شد.

السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَكَيْتَ ذِمَّتَهُ: سلام بر آن بزرگواری که پیمانش را شکستند.

السَّلَامُ عَلَى مَنْ هَتَيْتَ حُرْمَتَهُ: سلام بر آن عزیزی که حرمتش را شکستند.

السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَرِيقَ بِالظُّلْمِ دَمُهُ: سلام بر آن بزرگواری که خون او را [ظالمانه] بر زمین ریختند.

السَّلَامُ عَلَى الْمُعْسَلِ بِدِمِّ الْجِرَاحِ: سلام بر آن پیکر به خون آغشته، و بر آن کشته‌ای که با خونی که از جراحتهای پیکرش جاری بود، غسل داده شد.

السَّلَامُ عَلَى الْمُجْرَعِ بِكَأْسَاتِ الرَّمَاحِ: سلام بر آن تشنه‌ای که از کاسه‌ی سرنیزه‌ها آب به او نوشاندند.

السَّلَامُ عَلَى الْمُضَامِ الْمُسْتَبَاحِ: سلام بر آن مظلومی که خونش را حلال شمردند.

السَّلَامُ عَلَى الْمَنْحُورِ مِنَ الْوَرَا: سلام بر آن امام مظلومی که از قفا سرش را از پیکرش جدا کردند.

السَّلَامُ عَلَى مَنْ دَفَنَهُ أَهْلُ الْقَرْيَةِ: سلام بر آن بزرگواری که روستانشینان او را دفن کردند.

السَّلَامُ عَلَى الْمُقْطُوعِ الْوَتِينِ: سلام بر آن بزرگواری که شاه‌رگ گردن او را بریدند.

السَّلَامُ عَلَى الْمُحَامِي بِلا مُعِينِ: سلام بر آن بزرگواری که در حمایت از دین، بی‌یار و یاور باقی ماند.

السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ: سلام بر آن محاسن به خون آغشته.

السَّلَامُ عَلَى الْخَدِّ التَّرِيبِ: سلام بر آن گونه‌هایی که به خاک افتاده بود و خاک آلود شده بود.

السَّلَامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيبِ: سلام بر آن بدنی که جامه‌ی کهنه‌اش را به غارت بردند.

السَّلَامُ عَلَى الثَّغْرِ الْمَفْرُوعِ بِالْقَضِيبِ: سلام بر آن دندان‌هایی که با چوب خیزران بر آنها زدند.

السَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ: سلام بر آن سر بالا رفته‌ی بر نیزه.

السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَةِ فِي الْقَلَوَاتِ، تَنْهَشُهَا الدَّنَابُ الْعَادِيَاتُ، وَ تَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّبَاعُ الصَّارِيَاتُ: سلام بر آن پیکرهایی که در صحراها عریان مانده بودند؛ و گرگ‌های تجاوزگر و درنده، این لشکریان گرگ‌خو و وحشی عمر سعد، آنها را تکه‌تکه می‌کردند؛ و وحشی‌های درنده‌خو دورادور اینها عبور می‌کردند و در رفت و آمد بودند.

امام زمان ارواحنفا در فراز دیگری به جدّ بزرگوارشان این گونه سلام می کنند:

سَلَامٌ مِّنْ قَلْبِهِ بِمُصَابِكِ مَقْرُوحٌ: سلام کسی که قلبش از مصیبت تو ای جدّ بزرگوار جریحه دار است.

وَ دُمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ: و هنگامی که از تو یاد می کند، اشکش جاری است.

سَلَامُ الْمَفْجُوعِ الْحَزِينِ الْوَالِيهِ الْمُسْتَكِينِ: سلام کسی که مصیبت زده و اندوهگین و غمگین است؛ و از این

مصیبتی که بر تو وارد شد، سرگشته و بیچاره شده است.

سَلَامٌ مِّنْ لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالطُّفُوفِ لَوْ قَاكَ بِنَفْسِهِ حَدَّ السُّيُوفِ وَ بَدَلَ حُشَاشَتِهِ دُونَكَ لِلْحُتُوفِ وَ جَاهَدَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ

نَصَرَكَ عَلَيَّ مَن بَغَى عَلَيْكَ وَ فِدَاكَ بِرُوحِهِ وَ جَسَدِهِ وَ مَالِهِ وَ وَلَدِهِ: سلام کسی بر تو باد که اگر آن روز در

کربلا همراه تو بود، با جان خود در برابر تیزی تیغها و شمشیرها از تو حفاظت می کرد؛ و این نیمه جان

ناقابل خود را در راه تو پیشکش می کرد و برای حفظ تو به چنگال مرگ می فرستاد؛ و در پیشروی تو

جهاد می کرد؛ و در برابر کسانی که ستمگرانه علیه تو شورش کردند، به یاری تو می آمد؛ و جان خود،

تن خود، مال خود، و فرزندان خود را در راه تو قربان می کرد یا اباعبدالله!

وَ رُوحَهُ لِرُوحِكَ فِدَاءً: و جان خود را فدای جان تو می کرد.

وَ أَهْلُهُ لِأَهْلِكَ وِقَاءً: و خانواده ای خود را سپر خانواده تو می کرد ای اباعبدالله! سلام چنین امام زمانی بر

تو باد.

فَلَيْنَ أَخْرَجْتَنِي الدُّهُورَ وَ عَاقَبَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ وَ لَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِباً وَ لِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِباً

فَلَأُنْدَبَنَّكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَأُبَكِّينَنَّ لَكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا حَسِرَةً عَلَيْكَ وَ تَأْسُفًا عَلَيَّ مَا ذَهَابَ وَ تَلَهْفًا حَتَّى أَمُوتَ

بِلَوْعَةِ الْمُصَابِ وَ غُصَّةِ الْإِكْتِيَابِ: ای جدّ بزرگوارم! اگر زمانه و روزگار مرا به تأخیر انداخت و در کربلا

نبودم تا جانم را قربان تو کنم، خانواده ام را سپر خانواده ای تو قرار دهم، و تقدیر الهی مرا از یاری تو باز

داشت و نبودم که به جنگ با کسانی که با تو جنگیدند، بروم، و با آن کسانی که با تو به دشمنی بر

خواستند، دشمنی کنم، اگر در آن روز نبودم، اما اکنون در عوض آن فَلَأُنْدَبَنَّكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً، هر صبح

و شام بر تو می‌گیریم. **وَ لَا بُكَيْنَ لَكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا**^۲ و به‌جای اشک، در مصیبت تو، از روی حسرتی که بر تو دارم، و به خاطر سوز و تأسف بر مصیبت‌های عظیمی که بر تو وارد شد، خون می‌گیریم. تا اینکه بالاخره در اثر این سوز، این قدر می‌گیریم، این قدر می‌سوزم، تا من امام زمان علیه السلام در اثر این غصه و مصیبت جان دهم و جان به جان‌آفرین تقدیم کنم.

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ^۳

۲. موسوعة الامام الحسين عليه السلام، ج ۲۴، صص ۸۹۳-۸۹۵؛ ابن مشهدی، مزار الکبیر، صص ۴۹۷-۵۰۱ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، صص ۳۱۸-۳۲۰.

۳. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۷۵؛ حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۳ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۰۱.